

# ایک

ویژہ اولین نمائشگاہ آسیایی  
آثار تصویرگران کتاب کودک



۷-۵ ہمدانی



# يك آزمون تصويرى ساده برای يك تصويرگر

قصه، قصه پرنده‌بی‌ست خودخواه و بیشترخواه. پرنده، طعمه‌بی یافته بسیار سنگین‌تر از آنکه بتواند، خود به تنهایی، آن را جابه‌جا کند و به لانه برساند، و با این وجود، مایل به اقدام فردی و تصاحب کل طعمه است. پرنده‌گان هم‌نوع شخصیت قصه‌ی ما می‌خواهند که بدون هیچ توقعی، هم‌نوع خود را یاری کنند و بارش را به لانه برسانند. آنها از طعمه سهمی نمی‌طلبند، اجازه‌ی امداد می‌طلبند تا باری را از دوش‌آشنایی بردارند و صرفاً از شادی یاری رساندن به هم‌نوع سهمی بردارند؛ لیکن پرنده‌ی بیشترخواه ما بی‌مناک است: مبادا در پایان کار، چیزی بخواهند. این طعمه اگر چند تکه شود، دیگر طعمه‌ی چشمگیری نخواهد بود.

جان‌کندن غریب پرنده‌ی تنها آغاز می‌شود؛ جان‌کندنی که به‌راستی تا مرز مرگ پرنده نیز می‌آید، تا مرز از دست رفتن کل طعمه؛ و در این لحظه است که پرنده به فکر می‌افتد که از پرنده‌گان چون خود - که نشسته‌اند و او را می‌نگرند - یاری بطلبد یا نه، و به ایشان سهمی بدهد یا ندهد.

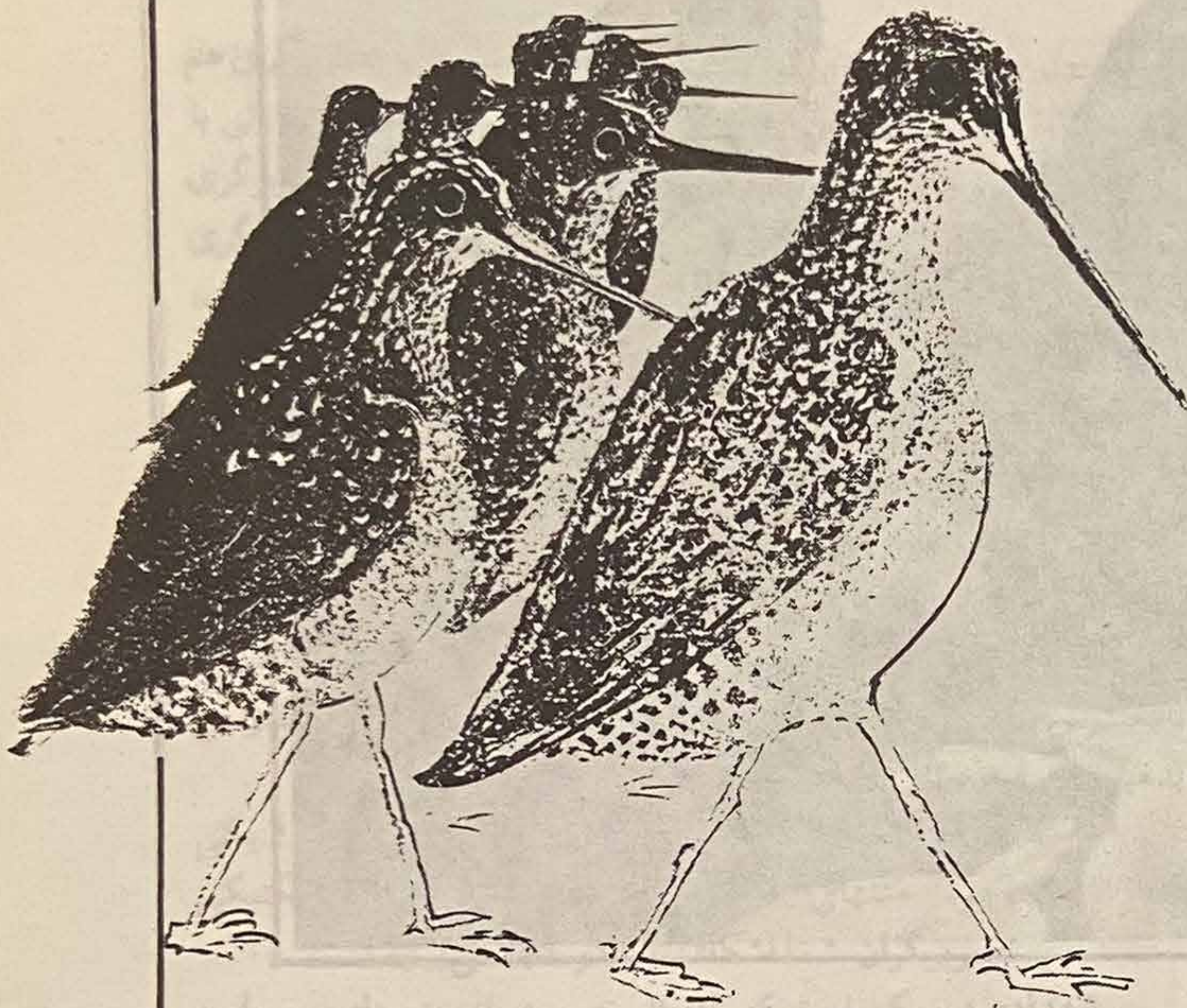
نکته این است که گروه پرنده‌گان، اگر بخواهند پرنده‌ی خودخواه پشیمان از خودخواهی را مدد برسانند، چگونه می‌توانند این طعمه را، به زیبایی، به‌درستی، و به سلامت، حمل کنند - آنطور که تصویری ماندگار در ذهن کودک مخاطب قصه، بسازد.

من به عنوان نویسنده‌ی قصه - تا لب حادثه‌ی «طلب تعاون از جمع پرنده‌گان ناظر» آمدم و در اینجا ماندم؛ زیرا به‌نظر می‌رسید که آخرین تصویر که تکلیف قصه را روشن می‌کند، تصویری نوشتاری نیست، یا بهتر آن است که نباشد؛ تصویری بصری است که نه فقط ساختش، بل، از اساس، پیشنهاد «شکل» عمل همکاری و حمل را می‌توان از تصویرگر درخواست کرد. لاقلاً می‌توان تصویرگر متعهد را به تفکر و مشارکت در این باب دعوت کرد.

آقای پویا آریان‌پور، پس از شنیدن ماجرای قصه و ناتمامی آن، داوطلب تصویرگری آن شدند. متن ناتمام را خواندند و نشستیم به گفت‌وگو. من







ترجیح دادیم که هیچ پیشنهادی در مورد تصویر نهایی ارائه ندهم. این وظیفه را ذهن خلاق تصویرگر می‌بایست برعهده بگیرد - که البته گرفت.

طراحی، آغاز شد. درباره‌ی شخصیت‌های اصلی (پرنده و طعمه)، صحنه‌بندی، ترکیب‌بندی، رنگ‌بندی، فرابندی (پرسپکتیو) و نوربندی صحنه‌ها تفاهم پدید آمد، (به‌خصوص در مورد نوربندی، دقت فراوان لازم بود؛ چرا که کل ماجرا از صبح زود آغاز می‌شد و تا نزدیک ظهر ادامه می‌یافت، و لازم بود که رنگ آسمان، در پس زمینه، متناسب با تغییر زمان، تغییر کند.) و در همین مرحله بود که آقای آریان‌پور می‌بایست وظیفه‌ی یک تصویرگر خلاق را - که مستقل از نویسنده اما در کنار نویسنده و دوشادوش او کار می‌کند - به انجام می‌رساند و ثابت می‌کرد که تصویرگران، امربر نویسندگان نیستند، بلکه مکمل ایشان هستند.

آقای پویا آریان‌پور، پس از چندی، با تصویر نهایی خود که نشان‌دهنده‌ی اقدام دسته‌جمعی پرندگان بود، بازگشت؛ و کار، آنچنان زیبا و درست بود و کافی، که من، به‌عنوان نویسنده، هیچ لزومی حس نکردم که تصویر نهایی را - حتی - با یک جمله‌ی کوتاه همراه کنم. قصه را به همانگونه ناتمام به چاپ سپردم و نتیجه و پایان آن را یکسره به تصویرگر واسپردم.

در آزمون با کودکان<sup>۱</sup>، قصه را خواندیم تا رسیدیم به مرحله‌ی ماقبل نهایی.

اینگاه، طرح سوال کردیم که «آیا خوب است که پرندگان، هم‌نوع خود را کمک کنند یا نه؟» که جواب‌ها، در وهله‌ی نخست، طبیعتاً تابع شکل سوال بود. ما می‌توانستیم طوری سوال کنیم که اکثر جواب‌ها «آری» باشد و یا طوری که اکثر جواب‌ها «نع»؛ اما تدریجاً که موضوع، به بحث گذاشته شد و با جار و جنجال و شوخی و خنده همراه شد و «شکل» سوال، به فراموشی سپرده شد، و نفس موضوع، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت، جواب‌ها، مستقل از نوع پرسش، صورت قطعی یافت (که این مسأله، به بحث فعلی ما مربوط نیست) و سپس، ما از کودکان خواستیم که بگویند «برای حمل طعمه به لانه‌ی پرنده، چه روشی یا تصویری را پیشنهاد می‌کنند؟»، جواب‌ها هیچ‌یک، عیناً، همانند پیشنهاد تصویرگر نبود، و این امر، شادابی و تازگی تصویر نهایی را که صرفاً و مستقلاً کار تصویرگر بود، اثبات می‌کرد - چنانکه بعد، با نشان دادن این تصویر به کودکان حاضر در

جلسه‌ی آزمون، عکس‌العمل طبیعی و صادقانه‌ی ایشان - که شادی و خنده و رضایت، همراه با مختصری احساس غبن بود - برداشت ما را تثبیت می‌کرد.

موفقیت در این زمینه، ما را واداشت که یک مجموعه پیشنهاد تازه، برای تصویر کردن چند کتاب، به تصویرگران متفکر و خلاق بدهیم؛ به این ترتیب که تصویری‌ترین صحنه‌های برخی از قصه‌های نوشته شده را حذف کنیم و از تصویرگر بخواهیم، خود، به هرگونه که می‌خواهد، حادثه را تصویر کند. این حرکت، در اولین آزمون تازه به نتیجه‌ی نسبتاً مطلوب رسید، آنگونه که تصمیم بعدی را گرفتیم: فکر اصلی یک مجموعه‌ی ایران شناختی برای کودکان ۹ تا ۱۲ ساله را به گروهی از نقاشان و تصویرگران ارائه بدهیم و بخواهیم که ایشان، ابتدا، به هر شکل که می‌خواهند و دوست دارند، تصویرها را بسازند، آنگاه نویسنده، براساس تصویرهای موجود، متن را بنویسد.

نادر ابراهیمی - ۱۳۷۰/۷/۶



